نگاهی روان شناختی دینی به مراسم عزاداری حسینی

محمد کاویانی

بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی روان شناختی - دینی به مراسم عزاداری حسینی

نویسنده:

محمد کاویانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگاهی روان شناختی – دینی به مراسم عزاداری حسینی

مشخصات کتاب

نگاهی روان شناختی - دینی به مراسم عزاداری حسینی

محمد کاویانی

پیشگفتار

تحولات پرشتاب فرهنگ، ارتباطات و اطلاعات، در دهه های اخیر، هر روز، پرسش های تازه ای را فراروی جوامع قرار داده است. برخی از این پرسش ها از روی کنجکاوی و بعضی نیز با اهداف و انگیزه های تغییر در باورهای اعتقادی، مطرح می شود که بی تردید، پاسخ به آنها ضرورتی است که امروزه اهمیت آن بیش از پیش آشکار شده است. از جمله ی این پرسش ها، شبهه هایی است که درباره ی سنت و مراسم پسندیده ی عزاداری، در جامعه ی ما مطرح می شود.برخی با تمسک به آیات قرآنی (از جمله، آیه ی ۱۵۶ سوره ی بقره) مدعی شده اند که نه تنها دلیلی از متن دین، برای عزاداری وجود ندارد، بلکه برگزاری این مراسم، مخالف قضا و قدر الهی بوده، جامعه را از شادی و نشاط دور می سازد و موجب گسترش افسردگی در آن می شود.نوشته ی حاضر، با بهره گیری از دانش روان شناسی، به تجزیه و تحلیل واقع گرایانه از عزاداری می پردازد تا شبهه ی یاد شده را از دیدگاه این دانش، ارزیابی کند؛ هم چنین درصدد اثبات این فرضیه است که نه تنها عزاداری، مخالف با قرآن و تعالیم دینی نیست، بلکه مطابق سنت و سیره ی معصومان علیهم السلام است و از دیدگاه روان شناسانه، یکی از هنجارهای بسیار مناسب یک جامعه ی مطلوب انسانی است.در پایان، توضیح این نکته ضروری است که با توجه به فرصت کم و بی سابقه بودن این موضوع، در پژوهش های قرآنی و نیز تأکید بر شناخت دقیق و بهتر چگونگی تأثیر مثبت عزاداری دینی، بر جوامع انسانی، ناچار محقق محترم، پژوهش را از مقدمات بعید آغاز کرده، در موارد مناسب، از استناد به آیات قرآنی غافل نمانده است

که می توان آن را آغاز خوبی برای ورود به مباحث قرآنی تلقی کرد، اگرچه لازم است متخصصان فن، به مطالعات گسترده تری در این باره بپردازند.به هر حال، با توجه به اهمیت مسئله و نیز ضرورت گشودن فصل های نو و تازه در پژوهش های قرآنی، به این اندازه از طرح بحث اکتفا می شود تا در آینده ای نزدیک، بستر گسترش تحقیقات دامنه دار، به وسیله ی محققان و قرآن پژوهان کشور فراهم شود.مرکز فرهنگ و معارف قرآن

مقدمه

مدت ها است در نظر داشته ام که تحلیلی روان شناختی [۱] از مراسم مذهبی [۲] شیعه بنویسم؛ اما اکنون از یک سو، مناسبت نام گذاری سال جاری، به نام مبارک امام حسین علیه السلام و از سوی دیگر، فرصت ناکافی برای آن تفصیل، تشویقی شد تا در حد یک مقاله، درباره ی عزاداری و عزت و افتخار حسینی، مطالبی را بنویسم.تحلیل روان شناختی، مشتمل است بر توصیف [۳] ، تبیین [۴] ، پیش بینی [۵] و تغییر و اصلاح [۶] ؛ آن هم در سه بعد شناختی [۷] ، عاطفی [۸] ، و رفتاری [۹] .اگر بررسی های چهارگانه در ابعاد سه گانه ضرب شود، گستره ی کار معلوم می شود و اگر این بررسی ها، بخواهد درباره ی همه ی مراسم مذهبی شیعه (اعم از فردی یا جمعی مقطعی یا همیشگی، شادی یا سوگواری و...)، انجام شود، معلوم است که چه اندازه فرصت و تلاش می طلبد. بر این اساس، تحلیل روان شناختی را به «نگاهی روانشناختی» و مراسم مذهبی شیعه را به «مراسم عزاداری حسینی علیه السلام»، تغییر دادم تا عذر تقصیری باشد نزد آنان که بیش از این را می طلبند.در این مختصر، نخست، توضیحی درباره ی «عزاداری و سوگ [۱۰] واقعی» و «مراسم عزاداری» [۱۱] ، و تفاوت

آن دو با هم ارائه شود. پس از آن از دیدگاه یک روان شـناس اجتماعی [۱۲] ، آن مراسم را یک گروه اجتماعی [۱۳] ، تلقی کرده، به آثار و پیامـدهای آن می نگریم و سـپس به هیجان های روانی ناشـی از عزاداری، ماننـد غم و اندوه [۱۴] ، افسردگی [۱۵] ، شـادی [۱۶] ، عزت نفس [۱۷] و... خـواهیم پرداخت. سـرانجام، از دیـدگاه متـون دینی، به بررسـی این مراسم خواهیم پرداخت (البته مناسب تر این است که از باب تیمن و تبرک و اولویت تشریفی، بحث را با متون دینی، به ویژه قرآن آغاز کنیم؛ اما از آن جا که اولا، مفاهیم عزاداری و سوگ، مفاهیم شـرعی و قرآنی نیسـتند، بلکه بیش تر، فرهنگی و اجتماعی انـد و ثانیا، شبهه ها و اشکالهایی که متوجه آنها شده است، با زبان علمی و اجتماعی است، نه قرآنی، از این رو، ترجیح داده شد که با آن مباحث، آغاز شود). پس از مباحث دینی، نگاهی بسیار مختصر نیز به آسیب شناسی مراسم عزاداری خواهیم کرد.

عزاداری چیست

عزاداری در عرف عـام، به دو معنـا به کـار می رود:الـف) داغ دیـدگی و عزاداری شخصـی و بـالفعلب) مراسم عزاداری که به صورت سـنتی، برای بزرگان دینی و دیگران برگزار می شود.این دو معنا، از دیدگاه روان شناسی، کاملا متفاوتند. داغ دیدگی واقعی، امری اسـت غیر اختیـاری. افراد داغـدار از مـدار زنـدگی عـادی خـارج می شونـد و بایـد بـه تدریـج به زنـدگی عـادی برگردنـد؛ امام مراسم عزاداری، کاملا اختیاری و برنامه ریزی شـده است و بخشـی از برنامه های زنـدگی عادی افراد محسوب می شـود. داغ داری حـالتی روانی و درونی است؛ ولی مراسم عزاداری، معمولاـ به صـورت اجتمـاعی صـورت می گیرد. برای عادی شدن زندگی فرد داغ دار، عواملی به کمک می آیند، که

از جملـه ی آنهـا مراسـم عزاداری است. داغ دیـدگی ممکن است به صـورت ناگهـانی و بـدون آمـادگی باشـد؛ماننـد این که عزیزی را در تصـادف اتومبیـل از دست بدهنـد و ممکن است با پیش بینی و آمادگی قبلی باشـد؛ماننـد این که عزیزی پس از یک دوره ی سـخت بیماری، از دنیا برود. در هر دو صورت، داغ دیـدگی صدق می کند؛ اما آن که ناگهانی است، سـخت تر است.داغ دیدگی: [۱۸] فقـدان های مختلف، بارهای داغ دیدگی های متفاوتی دارند. [۱۹] مرگ همسر، از پر فشارترین وقایع زنـدگی است، هم برای زنان و هم برای مردان. برنل [۲۰] و برنل (۱۹۸۹)، بر اساس مصاحبه هایشان با بیش از صد خانواده ی داغ دیده، راهنمایی های زیر را به فرد داغ دیده ارائه کردند.۱. حداقل تا شش ماه از گرفتن تصمیمات ناگهانی، پس از فقدان، خودداری کنند. (مانند خرید و فروش خانه و وسایل آن، تغییر شغل و ازدواج مجدد).۲. فرد داغ دیده باید اطمینان داشته باشد که تجربه ی فقدان، مراحلی دارد و طی خواهد شد.۳. در حالت های خیلی شدید روحی، در روزهای نخستین، استفاده از آرام بخش های ضـعیف، هنگام خواب اشکال ندارد.۴. توسط یک مشاور، در یک فضای هم دلانه، فراینـد مرگ، برای داغ دیـده، بیان شود.۵. در مواردی که لازم است، از مددکار اجتماعی اسـتفاده شود؛ مانند مردی که همسـر خود را از دست داده است و فرزنـد خردسال دارد.فقـدان والـدین و فرزنـدان: این نیز از سوگ های شدید است، به ویژه برای مادران. پدر زودتر به زندگی عـادی برمی گردد؛ اما مادر چه بسا از پـدر متعجب می شود که چه زود، رفتار او عادی شـده است. در این موقعیت، پـدر باید بسیار به وضعیت مادر توجه و او را حمایت کند.در سوگ فرزند، نکته ی

مهم این است که روابط والدین، خدشه دار و ناسالم نشود. والدین سعی کنند یک دیگر را درک و حمایت کنند، فهم و تبیین خوبی از مرگ داشته باشند، فلسفه ی منسجمی از زندگی داشته باشند و از اعتقادات ایمانی خود بهره بگیرند. متخصصان داغ دیـدگی می گوینـد: فرد، با فقدان والدین، گذشـته را، و با فقدان همسـر، حال را و با فقدان فرزند، آینده را از دست می دهند (برنـل و برنل، ۱۹۸۹).در هر صورت، فرد داغ دیـده، فشارهای بسـیاری را تحمل می کنـد. لایندمن [۲۱] (۱۹۴۴) در مطالعات روان پزشـکی خود، ۱۰۱ فرد داغ دیـده را مورد مطـالعه قرار داد.او واکنش هـایی، ماننـد گریسـتن [۲۲] ، اضـطراب [۲۳] ، بی قراری [۲۴] ، بی خـوابی [۲۵] و بی اشـتهایی [۲۶] را گزارش کرد. کـوبلر راس (۱۹۸۱) [۲۷] میگویـد: همه به عزا و فقـدان، واکنش نشـان می دهنـد؛ اما هر کس به شـیوه ی خاص خود.در مجموع، آثار داغ دیـدگی را در سه بعـد فیزیکی [۲۸] ، روان شناختی [۲۹] و جامعه شناختی [۳۰] می توان بررسـی کرد. در بعد فیزیکی، اثراتی مانند بیماری های جسـمانی، تشدید علایم بیماری های قبلی، ایجاد شـکایات جدید و افزایش مراجعه به پزشک، در خور توجه است. در مطالعه ای که هلسـینگ (۱۹۸۲) و برنل وبرنل (۱۹۸۹)، در دو گروه مردان همسـر از دست داده، انجام دادنـد، نتیجه گرفتند که مرگ و میر در والدین داغ دار، ۳۴/۳ درصـد بیش تر از والـدین دیگر بـود. برنـل وبرنـل (۱۹۸۹)، اثراتی ماننـد احسـاس گرفتگی شـانه ها، ضـعف ماهیچه ها، گرفتگی گلـو (بغض)، خشـکی دهـان، فقـدان انرژی، تنگی نفس و آه کشـیدن را مشاهـده کردنـد.آثار روان شـناختی، به متغیرهـای بسـیاری ارتبـاط دارد؛ ماننـد سن، جنس، سـلامت جسـمانی قبلی، سازگـاری قبلی، متغیرهای شخصـیتی فرد، عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نوع رابطه ی

داغ دیده و متوفا، چگونگی فوت، سابقه ی متوفا و سابقه ی داغ دار در اموری مانند مواد مخدر، مشروبات الکلی، سیگار و... پاکز (۱۹۸۳) در مطالعه ای به دست آورد که اگر افراد داغ دیده، گرفتار مشکلات شدید روان پزشکی شوند، در سال اول خواهند شد، نه بعد از آن؛ اما در هر صورت، افراد، کم و بیش گرفتار ناباوری، گیجی، دل مشغولی با افکاری درباره ی متوفا، توهمات بینایی، شنوایی و...، انکار، غم، افسردگی، احساس گناه، خشم و اضطراب می شوند.آثار اجتماعی داغ دیدگی، بویژه در بین زنان بیوه، بسیار است. رفت و آمدها تغییر می کند، نگاه ها عوض می شود، اموری مانند فقدان شغل، تعارضات خانوادگی و بازنشستگی نیز، در این جهت ایفای نقش می کنند.فرد داغ دیده، در یک مرگ طبیعی، چهار مرحله را طی می کند:۱. پذیرش واقعیت فقدان: [۳۱] گاهی فرد داغ دیده، آن چنان ضربه ی روحی می بیند که فقدان را انکار می کند و می گوید او نمرده است. گاهی افراد گرفتار فراموشی می شوند. وردن (۱۹۸۲) نقل می کند که فردی در دوازده سالگی، پدرش را از دست داد و برای سالیان متمادی، همه چیز را درباره ی پدرش فراموش کرد، حتی صورت پدرش را نیز به خاطر نمی آورد.۲. تجربه ی دردناکی فقدان: [۳۲] این تجربه، جزئی از فرایند عزا است و بدون آن، فرایند عزا، به گونه ی سالم طی نمی شود. در این مرحله، جامعه نقش مهمی بر عهده دارد. بالبی (۱۹۸۰) [۳۳] می گوید: اگر کسی از این مرحله امتناع کند، دیری نمی پاید که غالبا به درجاتی از افسردگی دچار می شود.۳. سازگاری با شرایط جدید: این مرحله هم، به ویژه برای زنان بیوه مشکل است. مدت ها طول می کشد که دریابند چگونه زندگی کنند و چگونه جای خالی نقش های متوفا را پر

کنند.۴. سرمایه گذاری در ارتباطات جدید: باید انرژی عاطفی فرد داغ دیده، بر ارتباطات جدید متمرکز شود. به اصطلاح عامیانه، باید از فرد متوفا دل بکند و به زنده ها دل بسپارد. برای عده ای، این امر، بسیار سخت است. گروهی می پندارند که این، بی اعتنایی به متوفا است. بعضی از افراد می پندارند که اگر مثلا دوباره ازدواج کنند، فرزندانشان دچار تعارض خواهند شد. برای ایجاد رابطه ی جدید، در سطح ازدواج مجدد، حدود یک تا دو سال وقت لازم است.مراسم عزاداری: عزاداری در متون اسلامی، یک اصطلاح شرعی نیست، بلکه مسلمانان آن را به کار برده اند. لذا از این رو، باید در فرهنگ لغات، به دنبال کاربردهای آن گشت. عزا به معنای شکیبایی در ماتم و به معنای سوگ و مصیبت آمده است. [۳۴] «عزی» از باب تفعیل به کار رفته است. «تعزیه الرجل» یعنی تسلی دادن و توصیه به صبر کردن. «عزی بعضهم بعضا»، یعنی یکدیگر را توصیه به صبر کردند. «احسن الله عزاک»، یعنی خداوند به تو صبر و نیکی عطا کند. [۳۵] .همان گونه که از معنای لغوی به دست می آید، عزاداری، در اصل برای تسلی دادن به داغ دیده است. برای آرامش بخشی به داغ دیده از عوامل متعددی می توان سود جست؛ از جمله:۱. هنجارهای اجتماعی و هم دردی ها.۲. هم سان سازی با بزرگان دینی و تاریخی مورد علاقه ی مردم.۳. تفکر منطقی بر این نکته که لاجرم باید به زندگی عادی باز گردیم و نمی توان زندگی را تعطیل کرد.۴. گریه کردن و برون ریزی عاطفی.۵. ذکر کردن غم و غصه ها با دیگران (راه دیگری از برون ریزی).۶. خواندن اشعار غمناک و معنادار.۷. اعتقاد به معاد و یادآوری آن.نکته ی در خور توجه، این است که همه ی عوامل

هفت گانه، در ضـمن مراسم عزاداری و با کمک دیگران، برای فرد داغ دیده حاصل می شود. در قالب دید و بازدیدها، اظهار هم دردی هـا، شـرکت در مراسم و ادای احترام به متوفـا و بازمانـدگان، مـداحی کردن از بزرگـان دینی و ذکر مصـایب آنان، خواندن قرآن و آیات مناسب و تسـلی بخش، ایراد سـخنرانی های مناسب با موقعیت و شرایط و ارائه ی شناخت لازم برای داغ دیده و دیگر مخاطبان، همه و همه، در ضـمن مراسم عزاداری به دست می آید. جالب تر این که بسـیاری از اینها، اختصاص به مراسم جمعی دارد و در تنهـایی و نشـست هـای خانوادگی حاصل نمی شود.در جوامع مختلف، شـیوه های نسـبتا مشابهی برای ایـن مراسـم وجـود داشـته و دارد. مراسـم عزداری و ختـم در سـه روز اول، هفتم، چهلم و گـاه سـالگرد (در جـامعه ی مـا)، به سازگاری داغ دیده با شـرایط جدید کمک می کند. با گرفتن مراسم سالگرد، به بازماندگان کمک می شود که ضمن گرامی داشت یاد متوفا، که آن را به خاطرات عزیز و تکرارنشدنی تبدیل کنند. به طور کلی، دو عامل «فراموشی» و «گذشت زمان»، از جمله ی عوامـل سازگاری هسـتند.در دیگر ادیان نیز چنین هنجارها و مراسـمی وجود دارد؛ ماننـد مراسم یادآوری از مصـلوب شدن حضرت عیسی، در دین مسیحیت. در فرهنگ ایرانی پیش از اسلام نیز «خون سیاوش» و «مرگ سهراب»، اگرچه به نوعی افسـانه می مانـد، ولی در کـاهش غم و غصه های داغ داران، ایفای نقش می کرده است. تیشه بر سـر زدن فرهاد، بیابان گردی مجنون، ناکامی ذلیخا، صبر یعقوب در غم فرزندش یوسف، بردار رفتن حلاج و...، همه و همه، عناصری نمادین از غم و اندوه برای درک این معنا و کنار آمدن با غم است.

مراسم عزاداری یک گروه اجتماعی

انسان موجودی است

اجتماعی و بخش بزرگی از زنـدگی خود را در گروه ها می گذارند. گروه های خانواده، مدرسه، هم بازی ها، هم سالان، هم کاران، گروه های مذهبی، سیاسـی، اجتماعی و..، از گروه هایی هسـتند که ما معمولا بخش درخور توجهی از زندگی خود را با آنها می گذرانیم. گروه های مذهبی نیز در همین ردیفند و می توان آنها را به عنوان یک گروه، بررسی کرد. گروه، متشکل از دو یا چند نفر است که با هم تعامل دارند، در اهدافی مشترکند، روابط پایداری با هم دارند، به گونه ای به هم وابسـته اند و خود را عضوی از گروه تلقی می کننـد (بارون [۳۶] و بایرون (۱۹۹۷) [۳۷] .گروه، با این تعریف و ویژگی هایی که بیان شـد، کارکردهای روان شـناختی [۳۸] متعـددی دارد. بعضـی از آن کارکردها عبارتنـد از:۱. بخشـی از نیاز روانی ما به تعلق داشـتن [۳۹] را برآورده می سازد.۲. با راحتی بیش تری به اهداف مشترک می رسیم.۳. دانش و اطلاعاتی به دست می آوریم که در بیرون گروه، برایمان ممکن نیست.۴. در برابر دشمن مشترک، احساس امنیت [۴۰] بیشتری ایجاد می شود.۵. باعث استحکام و تثبیت هویت اجتماعی [۴۱] ما می شود.۶. در ایجاد و تغییر احساسات و عواطف، باعث تسـهیل اجتماعی [۴۲] ما می شود.۷. ویژگی جمعی بودن بعضی برنامه ها، باعث استمرار آنها می شود.۸. به اعتماد نفس [۴۳] بیشتر فرد کمک می کند.۹. به افراد، به ویژه کودکان، در فراینـد اجتماعی شـدن [۴۴] کمک می کند.۱۰. فوایـد جانبی اش آن، مانند مشاوره، دوست یابی، شـغل یـابی، قرض الحسـنه و دیـد و بازدیـدها به هنگـام بیمـاری و مشـکلات، نیز از طریـق گروه هـای مـذهبی حاصـل می شود.۱۱. هنجارهای گروه [۴۵] (خوب یـا بـد)، معمولاـ مورد پـذیرش همه ی اعضاء قرار می گیرد (افراد به علت اهمیتی که برای گروه قائلند، از اختلاف های

کوچک می گذرند و گاهی در واقع، تغییر نگرش [۴۶] می دهند.۱۲. این گروه ها می توانند آغاز و مبانی باشند برای شروع و شکل دهی کارهای تشکیلاتی آشکار و مخفی و انجام دادن کارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و گاهی نظامی. انواع مختلفی از شبکه های ارتباطی [۴۷] ، خطی [۴۸] ، حلقوی [۴۹] ، چرخی [۵۰] و...، ممکن است از طریق گروه های اجتماعی شکل بگیرد. [۵۱] یکی از نمونه های این حرکت، اقدامات سید جمال الدین اسد آبادی بود. او از مراسم ساده ی مذهبی شروع کرد و سرانجام، تشکیلاتی را شکل داد که حکومت مصر ناچار به اخراج ایشان از آن کشور شد.همه ی کارکردهایی که ای گروه های اجتماعی بیان شد، در گروه های مذهبی نیز وجود دارد. مراسم عزاداری، یک گروه به تمام معنا است و بر روان شناسان اجتماعی است که به تفصیل، آن را بررسی کنند. بسیاری از هدایت های فرزندان خردسال و نوجوان، در قالب همین گروه ها شکل می گیرد. کسی که عضو این هیأت ها می شود، تا آخر عمر، خاطرات هیأت و بچه های هیئت را با خود دارد، نگرش هایش تحت تأثیر آن روابط است، احساسات و عواطف او جهت می گیرد و همان گونه باقی می ماند.درباره ی گروه های مذهبی و مراسم عزاداری، سخن بسیار است؛ ولی برای اجتناب از تفصیل، به توضیح آن نمی پردازیم. اما بسیاری از آن کارکردها را در قالب یک حدیث، در سخنان امام علی علیه السلام می خوانیم: [۵۲] آن حضرت می فرماید:هرگاه کسی به مسجد رفت و آمد کند، یکی از بهره های هشت گانه را نصیب خود خواهد کرد.۱. یافتن برادر دینی و دوستی که در مسیر الهی با او همراه باشد.۲. علمی جدید بر علوم او اضافه خواهد شد.۳. نشانه ای از نشانه ها و

آیات محکم الهی بر او روشن خواهـد شد.۴. رحمت مورد انتظارش را از خـدا دریافت خواهد کرد.۵. سخنی را می شنود که موجب هـدایت او به راه راست خواهد شد.۷. گناهی را از خوف الهی ترک می کنـد.۸. حجب و حیای او پیش دیگران، او را از گناه باز خواهد داشت.

هیجان های روانی ناشی از عزاداری

بیش ترین و مهم ترین تأثیری که مراسم عزاداری بر شـرکت کننـدگان دارد، تأثیرات روانی [۵۳] است و بیش تر شرکت گان نیز در پی همین نوع تأثیرات هسـتند. احساس لـذتی خاص به آنان دست می دهـد، آرامشـی می یابند که در کم تر مجلسـی و گروهی از نوعـدیگر، حاصـل می شود. چهره ی افراد عزادار، در مجـالس عزاداری، غم بـار می شود، گریه می کننـد یا حالت گریه به خود می گیرنـد، اما این غم، از نوعی دیگر و متفاوت با غم و غصه های زنـدگی روزمره است. غم معنویت است، غم آخرت است، غم مظلومیت مظلومـان است، غمی است که منشأ حرکت است و کنش وری اجتماعی [۵۴] افراد را افزایش می دهـد، نه کاهش، عاملی نابه هنجار [۵۵] در زنـدگی افراد نمی شود، بلکه در مواردی نقش درمـانی [۵۶] ایفا می کنـد و برای زندگی نشاط می آفریند.بدیهی است کسانی که خود به صورت مسـتمر یا مقطعی، در زمان های خاصی از سال، در این گروه ها و مراسم شـرکت می کنند و بیش تر مردم مذهبی (شـیعه)، با این مراسم موافق هسـتند و آن را می پسـندند و از آن اسـتقبال می کنند.افرادی نیز هستند که با عزاداری مخالفند و برای این مخالفت، استدلال هایی نیز دارند. در این جا بعضی از دلیل های آن را می آوریـم:۱. مـا دلیلی از متن دین، برای عزاداری نـداریم و این، نـوعی بـدعت محسـوب می شـود.۲. بر فرض ایـن که دلایلی کلی و عام بر جواز

عزاداری داشته باشیم، اما چه لزومی دارد که برای کسانی عزاداری کنیم که قرن ها پیش شهید شده، به مقام والایی رسیده اند؟۳. عزاداری کردن، مخالفت با قضا و قدر الهی است. ما باید بپذیریم و تسلیم باشیم. [۵۷] .۴. گاهی در عزاداری ها، کارهای خلاف شرع و غیر اخلاقی رخ می دهد؛ مانند اضرار به نفس، یقه پاره کردن، صورت ها را خونی کردن، پریشان کردن مو و بلند گریه کردن، که در برخی از روایات، از آنها منع شده است.۵. عزاداری و ازدیاد این مراسم در طول سال، به مناسبت های مختلف، باعث شده است که جامعه از شادی ها به دور باشد و بیش تر احساس غمگینی کند و در نتیجه، باعث افزایش افسردگی در جامعه بشود. این اشکال، گاهی از زبان و قلم بعضی از صاحب نظران روان شناسی، در کلاس های درس و در مقالات نیز مطرح شده است.ما با بررسی مختصری که درباره ی بعضی هیجان های روانی، مانند اندوه و گریه،شادی و خنده، افسردگی و عزت نفس و تأثیر مراسم عزاداری بر روی آنها، انجام می دهیم، در باب اشکالات روان شناختی مطرح شده است، اظهار نظر خواهیم کرد درباره ی مورد اشکال های دینی مطرح شده، موضع می گیریم.مراسم عزاداری و گریه: گریه یک ظاهر دارد و یک باطن: ظاهر آن، امری فیزیولوژیک [۵۸] است، باید تأثیرات روانی [۵۹] ، از طریق محرک های بیرونی [۶۰] یا درونی [۶۱] مانند تفکر، شکل بگیرد. سپس این تأثیرات، وارد چرخه فیزیولوژی مغز و اعصاب بشود، بخش خاصی از مغز فعال شده، غدد اشکی چشم را فرمان فعالیت بدهد و در نهایت، قطرات اشک جریان یابند، که ما آن را گریه می نامیم.این مطلب که بعضی اشک فراوان دارند و

بعضـی غـدد اشـکی کم اشـک و خشک دارنـد، گویای مطلبی قطعی درباره ی باطن گریه نیست؛ یعنی ممکن است دو نفر از نظر تـأثیرات روانی، به شـدت متـأثر شونـد، امـا یـک نفر، اشـک فراوان بریزد و دیگری اشـک کم تر. البته اگر در موردی، از سلامـت فیزیولوژیـک و پراشک بودن چشم کسـی، اطمینان داشـته باشـیم و او در موقعیتی خاص، گریه نکنـد، می توان نتیجه گرفت که او تأثیر روانی پیدا نکرده است. خلاصه، در شـرایط به هنجار و سـلامت فرد، گریه سوپاپ تأثیرات درونی است و به حسب تنوع تـأثیرات درونی، گریه هم متنوع می شود. از دیـدگاه عرفـا، زیبـاترین جلوه تزلل، گریه است. علامه جعفری رحمه الله انواعی از گریه را بیـان می کنـد. [۶۲] .بـاطن گریه، همـان تـأثیرات درونی است. نگاه روان شـناختی و داوری ما درباره ی پیامـدهای گریه نیز دائر مـدار همان تأثیرات عاطفی است. اگر در روایات آمده است که گریه کردن و گریاندن و حالت گریه به خـود گرفتن، در مراسم عزای حسـینی، منشـأ اثر دنیوی و اخروی است، به تـأثیرات درونی نظر داد و الاـ می شود به صورت مصـنوعی و یا با مواد شـیمیایی، چشمانی گریان داشت. ما در این جستار، باطن گریه را به چهار نوع تقسیم می کنیم، [۶۳] که فقط یک نوع آن، معطوف به خود و نیازهای سـرکوب شده خود است و می توان با افسردگی، هم بستگی مثبت داشته باشد و کنش وری اجتمـاعی فرد را مختـل کنـد؛ امـا سه نوع دیگر، امیـدبخش است و حرکت آفرین و رابطه ی معکوس با افسـردگی دارد. نـوع اول، ناشـی از مرگ واقعی است؛ امـا سه نوع دیگر، سوگ واقعی نیسـتند، اگر چه در مراسم سوگواری حاصـل می شوند.الف) گریه ی ناشی

از علاقه ی طبیعی انسان به خود و متعلقات خود: این گریه، به هنگام غم و مصیبت و داغ دیدگی حاصل می شود، اختیاری نیست و معمولا بی اراده، اشک جاری می شود. تأثیرات فرد، ناظر به گذشته است، مصیبتی رخ داده و اثراتی گذاشته است و اکنون به اصطلاح عامیانه، عقده ها گشوده می شود و اشک می ریزد. این گریه، به اصطلاح نظریه عمومی سیستم ها [۶۴]، مربوط به اکولوژی حفظ و نگهداری [۶۵] است و به اصطلاح روان شناسان و روان درمان گران [۶۶] ،تخلیه ی روانی – هیجانی [۶۷] است. این گریه، به خود فرد و نیازهای سرکوفته [۶۸] شده او بر می گردد.اگرچه سه نوع دیگر گریه هم، در واقع، تخلیه هیجانی است، ولی به اکولوژی متعالی [۶۹] فرد مربوط است. انسان می خواهد در اوج کمال باشد، اما نیست. این را درک می کند و هیجانی می شود. می خواهد ستمی در بین نباشد، اما هست. آن را می بیند و متأثر می شود. این تأثر، مربوط به خودش ظلم نشده است، بلکه بر دیگران شده است. یا در نوع دیگری از گریه، انسان باید با یادآوری رحمت های الهی و برکات و نعماتی که در اختیار بشر قرار داده است، هیجانی می شود. این هیجان، از جنس غم و اندوه نیست، بلکه از جنس شوق و شادی است؛ اما گروهی باعث جریان اشک می شود.ب) گریه ای که ریشه در اعتقادات دارد: مانند آن چه در حال مناجات حاصل می شود. انسان خود را در محضر خدا می یابد و رفتار و کردار خود را ضبط شده می داند و خود را گناه کار و...؛ مثلا دعای امام سجاد علیه السلام در وداع با ماه رمضان و یادآوری رحمت های خداوندی، از این نوع است. این نوع گریه،

ناظر به آینده و حال است و آن چه روی خواهد داد. این که امام سجاد علیه السلام می فرماید: «محبوب ترین قطره نزد خداوند متعال، قطره ی اشکی است که مخلصانه، در تاریکی شب و از ترس خدا ریخته شود»، [۷۰] ریشه در اعتقادات دارد و مربوط به ترس های دنیایی و زندگی روزمره نیست. بیش تر گریه ها در مناجات های امامان معصوم علیهم السلام از این نوع است.ج) گریه ای که از فضیلت طلبی و کمال خواهی ناشی می شود: مانند گریه ای که در فقدان معلم و مربی اخلاق و پیامبر و امام و... رخ می دهد. این گریه، از این روی است که ما در عمق وجودمان، کمال و رشد را تحسین می کنیم و از بودن آن کمالات، ذوق زده می شویم و از فقدان آنها ناراحت. گاهی در مراسم عزاداری، گریه هایی از این نوع نیز وجود دارد؛ مثلا درباره ی شجاعت و وفاداری حضرت عباس علیه السلام به امام حسین علیه السلام، سخن گفته می شود و ما با شنیدن آن، اشک می ریزیم. پس از وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله، ام ایمن گریه می کرد، خلیفه دوم از او پرسید: چرا گریه می کنی، مگر نه اینکه رسول خدا در پیشگاه خداوند است؟ ام ایمن پاسخ داد: گریه من به خاطر آن است که دست ما از اخبار آسمان و وحی کوتاه شده است. [۷۱] .د) گریه بر مظلوم: مانند گریه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، پیش از شهادت آنان و مانند گریه و عزاداری مسلمانان، در شهادت های ائمه دین، که به صورت مظلومانه شهید شدند و مانند گریه به هنگام روضه خوانی حضرت رقیه، و حضرت علی اکبر، حضرت فاطمه و دیگر مصایب اهل

بیت و.گاهی نوعی دیگر از گریه را نیز تحت عنوان «گریه ی سیاسی» نام می برنـد.امام خمینی رحمه الله می فرمایـد:زنده نگه داشتن عاشورا، یک مسئله بسیار مهم سیاسی – عبادی است. عزاداری کردن برای شـهیدی که همه چیز را در راه اسلام داده است، یک مسئله سیاسی است؛ [۷۲] امـام در واقع، از دیـدگاه روان شناسی، این گریه، نوعی مسـتقل نیست، بلکه به یکی از انواع مذکور بر می گردد و در اهداف سیاسی، جهت دهی می شود. این یکی از کاربردهای انواع گریه است.گریه در مراسم عزاداری، از هر کـدام از انـواع چهارگـانه که باشـد، کارکردهـایی دارد:الـف) در هر صورت، نوعی تخلیه ی هیجـانی است و آرامشـی را به دنبـال دارد و باعث جلای قلب می شود. این نکته، بسـیار مهم و ارزشـمند است.ب) هیجان ها و تأثیرات روانی، در بعد شناختی [۷۳] اثر گذاشـته، کنجکاوی و در نهایت، شـناخت فرد، درباره ی موضوع مورد نظر را تقویت می کنـد.ج) با تقویت عواطف و شـناخت ها، آمادگی رفتاری [۷۴] فرد، به تناسب آن شـناخت ها و عواطف، بیش تر می شود و نگرش [۷۵] فرد به آن موضوع، تقویت می شود.د) باعث همانندسازی با افراد و موضوعات مورد علاقه می شود؛ مثلا کسـی که در شـنیدن شجاعت حضرت عباس، اشکی می ریزد، ناخودآگاه، در شجاعت، درحد توان خود، با آن حضرت همانندسازی می کند و.ه) همه ی انواع گریه هـا می توانـد جهت گیری هـای سیاسی، فرهنگی، دینی و... داشـته باشـند و از آنهـا حسن اسـتفاده یـا سوء اسـتفاده بشود (توسـط خود فرد یـا اداره کننـدگان مجـالس عزاداری).و) علاـقه و محبت فرد به موضوع مورد نظر، افزایش می یابـد.مراسم عزاداری و شادی [۷۶] جامعه: شادی چیست؟ چه عواملی باعث شادی جامعه می شونـد؟ مراسم عزاداری مـذهبی، چه رابطه ای با شادی افراد و جامعه دارد؟برای

شادی، تعاریف مختلفی ارائه شـده است. ارسـطو معتقـد است که دست کم سه نوع شادی وجود دارد:الف) حالتی که همراه با لـذت حاصـل می شود.ب) حـالتی که به دنبال عملکرد خوب، برای فرد حاصل می شود.ج) حالتی که بر اثر زنـدگی متفکرانه حاصل می شود.از دیدگاه ارسـطو، نوع اول، سـطح نازل و زودگذر شادی است. نوع دوم، سطح متوسط و میان مدت شادی و نوع سوم، سـطح عـالی و دراز مـدت شادی است.فیلسوفانیماننـد جان لاک [۷۷] و جرمی بنتـام، [۷۸] گفته انـد که شادی به تعـداد لـذات زنـدگی بسـتگی دارد.این تعـاریف، منطبـق بـا تعریف توده مردم از شـادی نیست. از دیـدگاه مردم، شـادی یعنی انبسـاط خـاطر. یـک فرد ممکن است یک روز صـبح شاد باشـد و بعـدازظهر غمگین، با شـنیدن یک خبر، شاد شود و با خبری دیگر، غمگین. در بعضی از کتاب ها، انگیزش [۷۹] و هیجان [۸۰] نیز همین گونه تعریف شده است. [۸۱] بر این اساس، حتی اگر با مصـرف دارو و هم، انبساط خاطری حاصل شود، نام آن شادی است.وقتی ما از شادی اجتماعی سخن می گوییم، نه آن شادی سـطح اعلای ارسطویی را در نظر داریم و نه شادی زودگذر و مبتذلی که حتی با مصرف دارو ممکن است حاصل شود. پس شادی مورد نظر چیست؟ امروزه از دیدگاه روان شناسی اجتماعی، شادی برابر است با حاصل جمع رضایت و سطح لذت. [۸۲] .این تعریف، بـا تصور توده ی مردم از شـادی نیز منطبق است.بر اسـاس این تعریف، شادی هم با فعالیت یا موضوع لـذت آفرین بالفعـل مرتبط است، که با مؤلفه ی سـطح لـذت، آن را بیان کردیم و هم با وضـعیت روانی فرد، که ناشـی از تجربه ها، [۸۳]

انتظارات [۸۴] و آرزوها [۸۵] و... است، ارتباط مستقیم دارد، که آن را با مؤلفه ی رضایت بیان کردیم و هر دو مؤلفه، اموری غیر ثابت و غیر مطلق هستند.بدین ترتیب، دانسته می شود که برای بالا بردن سطح شادی در فرد و جامعه، باید به آن دو مؤلفه (سطح لذت و رضایت) توجه کرده، و آنها را تقویت کنیم و این دو مؤلفه، از مراسم عزاداری، اثر منفی نمی پذیرند. این گونه نیست که مراسم عزاداری، با سطح لذت و سطح رضایت افراد، هم بستگی منفی داشته باشند، بلکه شواهدی بر هم بستگی مثبت وجود دارد.قطعا کسانی که با علاقه و انتخاب خود، به مراسم عزاداری می روند، از آن لذت می برند و احساس رضایت می کنند. کسانی که نگران آمار بالای افسردگان در جامعه هستند و جامعه را غمگین می یابند، از دیدگاه روان شناسی باید به دنبال فریضه های دیگری باشند، فرضیه هایی مانند پیامدهای جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی، عدم توسعه ی علمی و فرهنگی و سیاسی و اخلاقی و... اگر جامعه غمگین است، باید به صورت علمی تلاش کرد و نتیجه گرفت و سخن گفت نه این که از روی حدس و گمان، فرضیه اثبات نشده ای را مطلبی علمی معرفی و با عناوین روان شناسی، در مطبوعات مطرح کرد، به ویژه آن گاه که به مقدسات مردم نیز مرتبط باشد.عده ای از روان شناسان، از جمله، روان شناس آمریکایی، مایکل فوردیس، [۸۶] ، برنامه ای برای افزایش شادی تهیه کردند. به نظر فوردیس، بهترین راه این است که افراد، خود برای شاد بودن اقدام کنند. او یک برنامه چهارده عنصری تهیه و ارائه کرد که به اختصار در زیر می آید.۱. خود را مشغول نگه دارید و فعال تر باشید.۲. وقت

بیش تری را به روابط اجتماعی اختصاص دهیـد.۳. در کارهای با معنا شـرکت کنید.۴. امور زنـدگی را به بهترین روش، طرح ریزی و سازمان دهی کنید.۵. حتی المقدور از نگرانی دست بردارید.۶. سطح انتظارات و آرزوهایتان را پایین بیاورید.۷. تفکر مثبت و خوش بینانه را در خود بپرورانید.۸. در زمان حال زندگی کنید.۹. سعی کنید شخصیتی سالم داشته باشید.۱۰. برون گرا و اجتماعی باشید.۱۱. خودتان باشید.۱۲. احساسـات منفی و مسائل منفی را بیرون ببریـد.۱۳. با داشـتن روابط نزدیک، خود را شاد کنید.۱۴. شادی را در درجه ی نخست اولویت قرار دهید.در یک برسی، ۸۹٪ از شرکت کنندگان گفتند که این برنامه، به آنـان کمـک کرده است تـا خلق غمگین خود را متوقف و بـا آن مقابله کننـد یا آن را تأخیر اندازنـد. ۸۰٪ نشان دادنـد که این برنامه، سطح شادی شان را افزایش داده است، ۳۶٪ مدعی بودند که افزایش شادی آنها خیلی زیاد بوده است. [۸۷] .با توجه به این برنامه و دقت در کارکرد تک تک توصـیه های آن، نیز می توان رابطه ی مراسم عزاداری و شادی را تشخیص داد. آیا در مراسم عزاداری، تعداد درخور توجهی از این توصیه ها اجرا نمی شود؟ افراد فعال تر نیستند؟ روابط اجتماعی شان بیش تر نمی شود؟ عزاداری کـار بامعنـایی نیست؟ سـطح انتظـارات و آرزوهـا را تعـدیل نمی کنـد؟ تفکر خوش بینانه القا نمی کنـد؟ برون گرایی را رشـد نمی دهـد؟با اطلاعات دینی، سیاسـی، فرهنگی و اجتماعی که به افراد می دهد، آنان را در زمان حال قرار نمی دهد.پاسـخ همه این پرسـش ها مثبت است و عزاداری در واقع، برای جامعه و افراد، شادی حقیقی می آفرینـد، نشاط و تحرک می آورد و... البته آسیب هایی نیز مراسم عزاداری را تهدید می کند که به آنها اشاره خواهیم کرد؛ اما آن آسیب ها از

لوازم این مراسم نیست، بلکه اموری عارضی که باید زدوده شود.گفتنی است که بروز و ظهور شادی، فقط در قالب کلمات نیست، بلکه رفتارهای غیر کلامی [۸۸] ، مانند ابراز چهره ای [۸۹] ، ژست، وضعیت بدنی [۹۰] ، حرکات چشم و تن [۹۱] ، صدا [۹۲] ، نیز علایم بسیار خوبی برای شاد بودن یا نبودن هستند. گاهی امکان خلاف گویی از طریق زبان وجود دارد؛ اما رفتارهای غیر کلامی، معمولا این گونه نیستند. زیگموند فروید [۹۳] شخص نیرنگ باز را این گونه توصیف می کند: «اگر لب هایش خاموش باشد، با انگشتانش حرف می زند، همه اعضای بدنش او را لو می دهند.» [۹۴] .مراسم عزاداری و افسردگی: تعریف مراسم عزاداری را دانستیم. اکنون ببینیم افسردگی چیست و چه رابطه ای بین این دو برقرار است؟ آیا این سخن که مراسم عزاداری، باعث افزایش افسردگی در جامعه شده است، وزنی علمی دارد یا نه؟ اختلالات افسردگی به سه دسته کلی تقسیم می شود.۱. اختلال افسردگی عمده. [۹۵] .۲. اختلال افسرده خویی. [۹۶] .۳. اختلال های افسردگی موردی، که در آن دو نوع جای نگرفته اند. [۹۷] .اختلال افسردگی عمده، شدیدترین نوع افسردگی است. بعضی از نشانه های آن عبارتند از:الف) احساس غمگینی یا پوچی، در بیش تر یا تقریبا تمام روز.ب) کاهش قابل ملاحظه علاقه یا لذت از تقریبا همه ی فعالیت ها در بیش تر روز.ج) کاهش قابل ملاحظه وزن بدن، بدون پرهیز یا رژیم غذایی (یا افزایش قابل ملاحظه وزن در عرض یک ماه).د) بی خوابی یا خواب زدگی، تقریبا در همه ی روز.ه) بی قراری یا کندی روانی - حرکتی، تقریبا در همه ی روز.و) خستگی یا از دست دادن انرژی، تقریبا در همه ی روز.ز) احساس بی ارزشی یا احساس گناه مفرط.ح) کاهش توانایی

فکری یا تمرکزیابی یا بی تصمیمی همه روزه.ط) افکار مکرر و عودکننده درباره ی مرگ.اختلال افسرده خویی، نسبتا خفیف است و دارای نشانه های تشخیصی زیر است:الف) دو یا چند مورد نشانه های کم اشتهایی یا پراشتهایی، بی خوابی یا خواب زدگی، کمبود انرژی یا احساس خستگی، عزت نفس پایین، تمرکز ضعیف یا اشکال در تصمیم گیری و احساس درماندگی در فرد وجود داشته باشد.ب) این نشانه ها بیش تر روزها، به مدت دست کم دو سال گزارش شوند.ج) طی یک دوره دو ساله، شخص هرگز به مدت بیش از دو ماه، خالی از نشانه های بالا نباشد.د) در طی این دو سال، افسردگی عمده وجود نداشته باشد.ه) هرگز ملاک های اختلال ادواری خویی وجود نداشته باشد.و) این نشانه ها ناشی از اثرات فیزیولوژیک (مانند مصرف نا صحیح دارو و...) نباشد.ز) این نشانه ها موجب اختلال در کارکرد اجتماعی، شغلی و... شوند.افسردگی نوع سوم، مربوط به مواردی خاص است؛ مانند:الف) اختلال ملال پیش از قاعدگی.ب) اختلال افسردگی جزئی.ج) اختلال افسردگی، پس از روان پریشی ناشی از اسکیزوفرنی و....از بین این سه نوع افسردگی، نوع اول و سوم، مورد نظر کسانی که می گویند:مراسم عزاداری باعث افسردگی جامعه شده است، نیست؛ زیرا نوع اول، بسیار شدید و واضح البطلان است. نه جامعه ی ایران، دچار افسردگی عمده است و نه مراسم عزاداری، با ویژگی هایی که شناختیم، می تواند باعث افسردگی عمده جامعه شود. نوع سوم هم مراد نیست؛ زیرا که مربوط به مواردی خاص است که بعضی را نام بردیم. پس افسرده خویی مورد نظر است.اکنون ببینیم آیا مراسم عزاداری، نشانه های افسرده خویی را ایجاد می کند و باعث افزایش افسردگی در جامعه می شود؟ برای روشن شدن این مطلب، لازم است به عوامل افسرده خویی، از دیدگاه روان شناسی، توجه

کنیم. برای افسرده خویی، سه عامل مهم را بر شمرده اند: [۹۸] زیستی، [۹۹] ، ارثی [۱۰۰] و هیجانی و محیطی. [۱۰۱] عوامل زیستی، به وضعیت مغز و کارکرد قسمت های مختلف آن، ناقل های عصبی [۱۰۲] انتقال عصبی، [۱۰۳] سیناپس ها [۱۰۴] و... اشاره دارد. بسیاری از نشانه های افسردگی، جایگاه خاصی را در مغز به خود اختصاص داده اند. تا کنون بیش از سی ناقل عصبی شناخته شده است؛ اما سه ناقل نوراپی نفرین، [۱۰۵] سروتونین [۱۰۶] و دوپامین، [۱۰۷] باعث بعضی از نشانه های افسردگی می شوند. عامل ارثی، سال ها است که مورد توجه قرار گرفته است و افسردگی را یک بیماری خانوادگی دانسته اند. و امروزه ژن و توارث را عامل مهمی برای افسردگی می دانند و به دنبال شناسایی ژن آن نیز هستند. بعضی از مطالعات آماری، خانوادگی و ارثی بودن افسردگی را تقویت کرده است.عوامل محیطی و هیجانی، همواره و پیش از عوامل زیستی و ارثی، مورد توجه روان شناسان و پزشکان بوده است. آنان می دانستند که رویدادهای محیطی می توانند ذهن و احساسات ناشی از آن را تحت تأثیر قرار دهند. روابط با دیگران، تربیت خانوادگی، فقدان ها و بحران ها، همه می توانند بر ذهن مؤثر باشند. به این ترتیب، افسردگی نیز می توانست تحت تأثیر عوامل محیطی قرار بگیرد؛ اما این دیدگاه، به تدریج دقیق تر شد. اکنون پژوهش گران معتقدند:۱. بعضی افراد، پس از رویدادهای استرس زای شدید، دچار افسردگی می شوند.۲. نمونه های فراوانی نیز بوده است که بدون هیچ گونه استرس، دچار افسردگی شده اند. از این رو، بعضی پژوهش گران بر این باورند که تجربه های استرس زای محیطی، فقط غیر مستقیم و فقط در کسانی که آمادگی زیستی و وراثتی دارند، باعث افسردگی می شود و کسانی که آن زمینه ها

را ندارنـد، استرس ها باعث افسـردگی نمی شود [۱۰۸] .بعضـی از عوامـل استرس زا، که زمینه هـای زیستی و ارثی را فعال می کننـد، عبارتنـد از: از دست دادن شـغل، قطع یـک رابطه، مرگ یکی از بسـتگان، طلاـق، ازدواج نـاموفق و مشـکل اقتصـادی جـدی.اکنون بـا آنچه گـذشت، معلوم است که:الف) تنهـا عامـل افسـردگی، عوامـل محیطی نیست.ب) عامـل محیطی فقط در کسـانی موثر است که زمینه هـای ارثی و زیستی دارنـد.ج) در بین عوامـل محیطی، که استرس زایی شدیـد دارنـد، جایی برای مناسک و مراسم اسـمی عزاداری پیـدا نمی کنیم. آن عوامل، متعددنـد. سوگ و داغ واقعی می توانـد یکی از عوامل باشد؛ اما مراسم عزاداری، هیـچ سـهمی در استرس زایی ندارد.د) با توجه به مباحثی که در روان شناسـی اجتماعی و کارکرد گروه ها و ویژگی هـای گروه هـای مـذهبی گفتـه می شـود، می تـوان گفـت که مراسم عزاداری کاملاـ نقش اسـترس زایی دارد.مراسـم عزاداری و عزت نفس: موضـوع عزت نفس، هـم از دیـدگاه دینی، یـک مفهـوم محـوری و مهـم اسـت و هـم از دیـدگاه روان شناسـی، در گرایش هاییماننـد رشـد، بالینی، شخصـیت و اجتماعی، به آن توجه فراوان شـده است. عزت نفس یکی از مؤلفه هـای به هنجـاری محسوب می شود (اتکینسون و هم کاران ۱۹۸۳).مراسم عزاداری را از هر دیدگاهی (دینی یا روان شناسـی) که مطالعه کنیم، رابطه ی منفی با عزت نفس نـدارد، بلکه زمینه های عزت نفس بیش تر را در افراد فراهم می آورد.ارزیابی ما از خـود پنـداری خـویش، بر حسـب ارزش کلی آن، عزت نفس نامیـده می شـود. بـه بیـان دیگر می تـوان عزت نفس را میزان ارزشـی که مـا برای خود قائـل هستیم، در نظر گرفت. مطالعـات، حاکی از این است که آگاهی یا برداشت ما از خود، بیش تر ناشی از تجربه های اجتماعی ما است. ما خود

را آن گونه می بینیم که فکر می کنیم دیگران ما را می بینید. [۱۰۹] ایلین شیهان (۱۹۹۸) [۱۱۰] [۱۱۱]، می گوید: طی ملاقات هایی که در طول سالیان، با مراجعان مختلف داشته ام، افرادی را دیده ام که عزم خود را جزم کرده بودند که عزت نفس خود را بالا ببرند و از این رهگذر، آثار مثبت متعددی را نصیب خود کردند. بعضی از آن آثار، به ترتیب زیر است:۱. پذیرش هرچه بیش تر خود و دیگران.۲. آگاهی بیش تر از آن چه در زندگی می خواهیم.۳. آرامش و آمادگی بیش تر برای مهار استرس.۴. مثبت بودن و احساس شاد بودن.۵. اشتیاق به داشتن مسؤلیت بیش تر.۶. توجه بهتر به دیگران.۷. احساس راحتی در موقعیت های اجتماعی.۸. احساس متعادل بودن.۹. اتکا به خود و خلاقیت بیش تر.۱۰. بهبود ظاهر و احساس سرزندگی.۱۱. آمادگی بیشتر برای دریافت محبت و محبت کردن به دیگران.۱۲. ملایم تر بودن با خود و توانایی دست زدن به خطرهای بیش تر.۱۳. توانایی تبریک گویی به دیگران، بدون حسادت.۱۴. اطمینان داشتن به خود، در همه ی فعالیت ها.۱۵. تبدیل کردن مشکلات، به مبارزه جویی ها.۱۶. تمایل بیش تر برای در میان گذاشتن احساسات با دیگران.۱۷. توانایی بیان صادقانه نارسایی ها در کارهای خود.۱۸. اشتیاق، انگیزه و علاقه مندی بیشتر به زندگی. [۱۱۲] .کمبود عزت نفس در رفتار اجتماعی فرد نیز اثر منفی می گذارد.. گرنی [۱۱۳] (۱۹۸۸)، مطالعات بسیاری را در مدارس انجام داد. او فهرستی از رفتارهای اجتماعی متأثر از عزت نفس پایین را برشمرده است:۱. کوچک تران را آزار می دهد.۲. با هم سالانش پرخاش گر است.۳. به غریبه ها اعتماد نمی کند.۴. دیدگاه دیگران را درک نمی کند.۵. به نظرات مراجع قدرت بسیار وابسته است.۶. اطلاعات کمی از خود بروز می دهد.۷. از نقش های رهبری اجتناب می کند.۸. به ندرت داوطلب می شود.۹. به

نـدرت توسـط هم سالانش انتخاب می شود.۱۰. بیش تر کنــاره گیر و منزوی می شـود.۱۱. رفتارهـای متناقض دارد.۱۲. مطیع است و ابراز وجـود نمی کنـد.۱۳. به نـدرت می خندد.۱۴. تـوجهش به خودش است.۱۵. هـم سالانش را بی ارزش تلقی می کند.۱۶. فعـالیت هـایش توسط دیگران تعیین می شود [۱۱۴] .در متون دینی، از این موضوع، بـا عناوین متعـددی، ماننـد عزت نفس، [۱۱۵] کرامـت نفس، [۱۱۶] مردانگی [۱۱۷] و آزادگی [۱۱۸] یـاد شـده است. از دیـدگاه دین، مؤمن، عزت و احـترام خاصی دارد؛ [۱۱۹] یعنی افزون بر عزت نفس، بایـد مؤمنـان دیگر را نیز عزیز بـداریم؛ مثلاـ قرآن می فرمایـد: «اگر به نیـازمند مؤمنی کمک مالی کردید، آن را با اذیت کردن و منت گذاشـتن همراه نکنید وگرنه، اصـلا صدقه ندهید و اگر کلماتی خوب بر زبـان جـاری کنیـد، بهتر است...» و «ای کسانی که ایمان آورده ایـد!صـدقات خود را با منت گذاشـتن و اذیت کردن، باطل نکنید». [۱۲۰] در روایـات متعـددی نیز آمـده است که حرمت نفس مـؤمن، از حرمت مقـدساتی چون کعبه نیز بیش تر است و تحقیر وی هرگز بخشـودنی نیسـت. [۱۲۱] .دربـاره ی عزت نفس نیز در متـون دینی، در دو سـطح نگـاه می شـود: عزت نفس شخص و عزت نفس انسانی. در روان شناسـی اگر از عزت نفس سـخن به میان می آیـد، فقط به خود شخصـی نظر دارد؛ یعنی توجه کردن و مهم شـمردن اسـتعدادهای نهفته در وجود فرد؛ اما در دین، بایـد افزون بر احیا کردن اسـتعدادهای درونی، نفس انسـانی را نیز عزیز داشت و در مقابل نفس حیوانی، آن را پرورش داد. [۱۲۲] باید حتی المقدور دست نیاز پیش دیگران دراز نکرد. [۱۲۳] بر اساس بسیاری از روایات، خداوند کارهای مؤمن را به خود وی واگذار کرده است،

ولی اجازه ذلت پـذیری به او نداده است. [۱۲۴] این امر آن قـدر مهم است که حتی انجـام دادن واجبات الهی نیز عـذری برای پذیرش منت و ذلت دیگران نیست. برای انجام دادن یک واجب الهی می توان از مال و حتی جان، مایه گذاشت؛ اما از آبروی مؤمن نمی شود. اگر کسـی مؤمنی را دعوت کنـد که بـا هزینه او به حـج برود و شـائبه ای از منت گـذاری در بین باشـد، لازم نیست بپـذیرد. حتی مبارزه با نفس، که به معنای صـحیح خود، بسـیار ضـروری و لازم است، نبایـد موجب نادیـده گرفتن عزت نفس شود. ممکن است کسـی گمان کنـد که با تحقیر خود نزد دیگران، بهتر می توانـد با نفس خویش مبارزه کند؛ اما اسـلام این را اجازه نمی دهـد.برخی از اهل تصوف، که کم تر با منابع غنی اسـلام آشـنایی داشـته انـد، گرفتار چنین خطایی شده اند. [۱۲۵] مؤمن نبایـد کاری کنـد که پس از آن، مجبور به معذرت خواهی بشود؛ چون این، نوعی ذلت پذیری است. [۱۲۶] نباید در مسافرت، با کسانی که فاصـله ی اقتصادی بسـیاری با او دارند، هم سـفر شود؛ چون اگر ضـعیف تر باشد، خودش اذیت می شود و اگر غنی تر باشـد، موجب اذیت هم سـفر خود می شود. [۱۲۷] .بین عزت نفس و رفتار اخلاقی مثبت، رابطه ی مسـتقیم وجود دارد. کسـی که عزت نفس داشـته باشـد، کم تر گرفتـار خطاهـای اخلاقی می شود، بیش تر می توان از او انتظار داشت. [۱۲۸] بر عکس، کسـی، که نفس خود را سبک بشمارد، نباید از او انتظاری داشت [۱۲۹] و نباید خود را از شر او ایمن بدانیم. [۱۳۰] هیـچ کس برای دیگران تکـبر نمی کنـد، مگر این که ذلـتی را در خـود احسـاس کرده است. [۱۳۱] کسـی که نفاق می ورزد، ناشی

از ذلت درونی اش است [۱۳۲] و کسی که غیبت می کند، به علت عجز او است. [۱۳۳] .هم بستگی بین عزت نفس بالا ـ و فضایل اخلاقی را از راه یک قانون مسلم روان شناختی نیز می توان نتیجه گرفت و آن عبارت است از نظریه «هماهنگی شناختی» [۱۳۴] فستینگر. [۱۳۵] چکیده ی این نظریه، این است که اگر متوجه شویم که دو شناخت ما با یکدیگر یا شناخت و رفتار ما با یکدیگر، ناهماهنگ است، دچار ناراحتی می شویم و تلاش می کنیم که حتی المقدور، آن ناهماهنگی را بر طرف سازیم.طبیعی و آشکار است که در مراسم عزاداری حسینی علیه السلام اولا، در محتوای آن، تبلیغ و ترویج دینی می شود که حسین علیه السلام پیرو آن بوده است و به جایگاه عزت نفس در این دین پی می بریم. ثانیا، حرکت، سخنان و پیام های ایشان که در مراسم عزاداری از آنها یاد می شود، از ابتدا تا انتها، پر است از عزت نفس و تأکید بر آن. پیام «هیهات منا الذله» [۱۳۶] امام حسین علیه السلام و حرکت ایشان ضرب المثل شده است. در سراسر دنیا هر کس که نام حسین را بشنود یا بخواند، فورا همراه آن، نام عاشورا و نهضت حسینی و ظلم ستیزی ایشان مطرح می شود. ثالثا، روان شناسان برای رشد عزت نفس، عواملی را بر می شمرند. کوپر اسمیت (۱۹۶۷) [۱۳۷] تحقیقات انجام شده درباره ی عزت نفس را بازخوانی کرد و به این نتیجه رسید که چهار عامل، اهمیت ویژه ای در رشد عزت نفس دارند:۱. میزان پذیرشی که دیگران برای او قائلند.۲. موفقیت های فرد و موقعیتی که برای او در جامعه قائلند.۳. تفسیری که فرد از ارزش و آرزوهای خود داشته و دارد.۴. روش یا روش هایی که

فرد، تفسیر خود را به اجرا درمی آورد. [۱۳۸] .با انـدکی تأمل در این چهار عامل، متوجه می شویم که مراسم عزاداری، باعث رشـد این عوامل و در نتیجه، رشـد عزت نفس می شود. افراد، در مراسم عزاداری، به درستی و کامل، یکـدیگر را می پذیرنـد. در این مراسم، عزاداران و برگزار کننـدگان، به احـترام حسـین علیه السـلام هر کس را که در این مراسم وارد شـود (حـتی اگر اشـتهار به بزه کـاری هم داشـته باشـد) عزیز می شـمارند و آن را مهمـان امـام علیه السـلام می داننـد. کسـانی که اهـل مراسـم عزاداری حسـینی هسـتند، در جامعه ی اسلامی، جایگاه خاصی دارند. مردم هیأتی ها و مسجدی ها را دوست دارند و آن را به صـورت خودآگـاه و ناخودآگـاه، یکی از معیارهـای گزینش خود در امور مهم زنـدگی، ماننـد ازدواج و مشـارکت مـالی می دانند. تفسیری که فرد از ارزش ها و آرزوهای خود دارد، هم چنین شیوه ای که فرد، آن آرزوها و ارزش ها را عملی می کند، تحت تأثیر مستقیم شناخت ها و عواطف ناشی از مراسم عزاداری است.

مراسم عزاداری از دیدگاه متون دینی

در قرآن، آیاتی که به طور صریح و مسـتقیم، بیان گر حکم عزاداری باشد، وجود ندارد؛ اما آن چه اکنون تحت عنوان مراسم عزاداری انجـام می شود، دست تأییـد چنـد گروه از آیـات را بالای سـر خود دارد:الف) آیاتی که به فریاد کردن علیه ظلم، امر می کنند یا مجوز می دهند. [۱۳۹] .ب) آیاتی که تحکیم ولایت را هـدف خود قرار داده اند. [۱۴۰] .ج) آیاتی بر مودت اهل بیت تأکیـد کرده اند. [۱۴۱] .د) آیاتی که دلالت بر سوگواری بعضـی از انبیا یا دیگر اولیای الهی داشـته انـد؛ ماننـد سوگواری حضرت یعقوب در فراق حضرت یوسف. [۱۴۲] .ه) آیاتی که بزرگ داشت شعائر الهی را تأکید می کنند. [۱۴۳]

.آیات بسیاری نیز هستند که از طریق روایات معصومین علیهم السلام، به نوعی، با امام حسین علیه السلام مرتبط شده اند؛ اما از آن جا که در این باب نیستند، به آنها نمی پردازیم؛ مانند آیه ی مباهله، [۱۴۴] که آن حضرت علیه السلام یکی از مصادیق آن است، یا آیه ی نفس مطمئنه، [۱۴۵] که به امام حسین علیه السلام تفسیر شده است؛ یا آیه ای که خداوند از بندگانش، درباره ی خون ریزی و... پیمان می گیرد. [۱۴۶] در تفسیر برهان، ذیل این آیه ی آمده است:وقتی این آیه ی نازل شد، پیامبر فرمود: «یهود، عهد خدا را نقض و رسولان او را تکذیب کردند و اولیای الهی را کشتند. آیا به شما خبر بدهم به مشابه آنان از یهود این امت؟» گفتند: بله یا رسول الله! حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «قومی از امت من، که خود را از اهل ملت من می دانند، افاضل ذریه مرا می کشند، شریعت و سنت مرا عوض می کنند، فرزندانم حسن و حسین را می کشند، همان گونه که یهود، زکریا و یحیی را کشتند». [۱۴۷] .روایات بسیاری نیز داریم که دلالت بر جواز گریه و عزاداری می کنند. امام صادق علیه السلام می فرماید:بانوان در مصیبت ها، نیاز به نوحه سرایی و شیون و زاری دارند و باید اشک هایشان جاری شود؛ اما نباید سخنان باطل و بیهوده بگویند... [۱۴۸] .آن حضرت در جای دیگر می فرماید:گریه کنندگان پنج نفر بودند: آدم و یعقوب و یوسف و فاطمه، بنت محمد و علی بن الحسین. گریه ی آدم به علت خطا و اخراج از بهشت، یعقوب در فراق یوسف و یوسف در دوری پدر و حضرت زهرا برای پدرش و امام سجاد علیه السلام نیز برای شهادت پدرش گریه می کردند. [۱۴۹] .امام صادق علیه السلام

بـه فرزنـدش سـفارش می کنـد کـه برایش مجالس عزاداری برگزار کنـد. [۱۵۰] روایـاتی از ایـن نـوع، بسیارند و مهـم ترین اهـدافشان، مبارزه با سـتم بنی امیه و بنی عباس بوده است. [۱۵۱] .البته بعضـی از روایات اهل سـنت، با عزاداری مخالفت کرده اند؛ اما از روایات خود اهل سـنت نیز پاسخ آنها داده شده است. پاسخ این است که این روایات، قابل جمع هستند و وجه جمع آنهـا این است که روایات مخالف، برای نفی بعضـی از کارهای نادرست، که در عزاداری ها انجام داده می شود، آمـده است؛ مانند داد و فریاد کردن، گریبان دریدن و سـخن باطل گفتن؛ اما آنها که موافق هسـتند، نظر به اصل عزاداری دارند. [۱۵۲] .در سیره معصومین علیهم السـلام و سـیره ی مسـلمانان نیز عزاداری، دارای سابقه بوده است.مسـلمانان در جنگ احد، هفتاد شـهید دادند. در مدینه، هر کس برای بسـتگان شـهید خود گریه می کرد. چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن این صحنه، پر از اشک شد و فرمود: «عمویم، حمزه گریه کننده ندارد». [۱۵۳] ابن مسعود می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در سوگ حمزه بسـیار گریه کرد. جنازه حمزه را رو به قبله نهاد و ایسـتاد و با صـدای بلند گریه کرد و صـفات خوب حمزه را بر شـمرد. [۱۵۴] اسـماء، همسـر جعفر بن ابی طـالب، که از زنان باایمان و فـداکار صدراسـلام بود، می گویـد: جعفر در جنگ موته به شـهادت رسـید. بر رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله وارد شـدم، ایشـان فرمود: «ای اسـماء! فرزنـدان جعفر کجاینـد؟». آنـان را پیش آن حضرت آوردم. آنان را در آغوش کشید و گریه کرد و گفت: «جعفر امروز به شهادت رسید». [۱۵۵] .پیامبر بارها و بارها

در سوگ یـارانش، از جمله، در عیادت آخر و بیماری احتضار سـعد بن عباده، رئیس قبیله خزرج، در کنار مزار دختر خود، در مدینه، در سوگ فرزندش، ابراهیم (با بیان این که قلب از شدت اندوه می سوزد؛ اما سـخنی بر خلاف رضای حق نمی گویم)، در سـوگ عثمـان بن مظعـون، در مـدینه، در کنـار مزار مادرشـان، در ابـواء (پس از گـذشت سالیـان دراز و مبعوث شـدن آن حضـرت به نبوت)، به هنگـام یـادآوری شـهادت امـام علی علیه السـلام و امام حسـین علیه السـلام، حتی در هنگام ولادت امام حسـین علیه السـلام و در مکان های مختلف،ماننـد منزل های ام المومنین ام سـلمه، ام المومنین زینب، ام المومنین عایشه و در خـانه امـام علی علیه السـلام، گریه کردنـد. پس از پیامبر نیز، صـحابه عزاداری می کردنـد. غیر از گریه مسـتمر حضـرت زهراء علیهم السـلام کسـان دیگری، ماننـد بلال، قیس، ام ایمن، خلیفه اول و دوم نیز در سوگ پیامبر گریه کردنـد. [۱۵۶] .زنان بنی هاشم در شـهادت امام حسن و امام حسـین، عزاداری و گریه کردند. ام سـلمه، در رؤیا، از شهادت امام حسین باخبر شد و پس از بیداری، به عزاداری پرداخت. زنان هاشـمی را نیز به عزاداری برای امام حسـین دعوت کرد. جابر بن عبدالله انصاری، پس از غسل در فرات و پوشـیدن لباس تمیز، پابرهنه و اندوهگین، به سوی مزار امام حسین رفت و گریه فراوان کرد، انس بن مالک و زید بن ارقم، از یاران پیامبر، در سوگ امام حسـین گریه کردند. مختار ثقفی در عزای امام حسـین گریه کرد و قسم خورد که انتقام بگیرد. توابین با شعار «یا لثارات الحسین»، به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی، برای انتقام جمع شدند و بر مزار امام حسین

رفته، گریه و ناله کردند. مردم کوفه و شام و مدینه، پس از شهادت امام حسین عزاداری کردند.شعرا و سرایندگان عرب، اشعار فراوانی را در سوگ آن حضرت سروده اند.گفتنی است که بعضی از مواردی که از سیره ی معصومین و مسلمانان ذکر شد، ناظر به مراسم عزاداری نبوده است، بلکه سوگ و داغ دیدگی واقعی بوده است؛ اما موارد متعددی هم بوده است که در سوگ واقعی نبوده است، بلکه مراسم عزاداری بوده، با هدف تبلیغی و سیاسی انجام می شده است. همه ی ائمه پس امام حسین علیه السلام، برای آن حضرت عزاداری کرده اند و مصیبت را تازه نگه داشته اند، به ویژه امام صادق مجلس بر پا می کرد و افراد جمع می شدند و ذکر مصیبت می شد و گریه می کردند. [۱۵۷] .پس از زمان ائمه علیهم السلام نیز شیعیان عزاداری امام حسین را بر پا می کردند؛ اما تا پیش از قرن چهارم، به صورت پنهان بود، همان گونه که جشن و سرور، در روز عید غدیر (هجدهم ذیحجه) نیز پنهان بود و از آن پس آشکار شد. معز الدوله دیلمی، از سلاطین بزرگ و مقتدر آل بویه بود که در آشکار ساختن شعائر شیعه، نقش اساسی داشت و مردم بغداد را به عزاداری برای امام حسین تشویق می کرد. در سال های بین ۳۵۲ تا اواسط قرن پنجم، مراسم عاشورا، مهم تلقی و اجرا می شد. در همین سال ها، فاطمیه و اسماعیلیه، مصر را به تصرف در آوردند و شهر قاهره را بنا نهادند و مراسم عاشورا در مصر نیز برگزار می شد. مراسم عزاداری، به دیگر کشورهای اسلامی، شمال آفریقا، ایران و برخی کشورهای عربی رسوخ کرد. در ایران، از قرن اول و دوم، تعزیه رایج

بود؛ ولی بعدها گسترش بیش تر یافت.اکنون نیز نه تنها شیعیان، بلکه حتی بسیاری از غیر شیعیان و غیر مسلمانان، امام حسین و مراسم عزادرای حسینی را به خوبی می شناسند و برای آن احترام قائلند. امروزه به برکت جمهوری اسلامی ایران، مراسم عزادرای، به همان شیوهای مرسوم در ایران (سخنرانی، روضه خوانی، مداحی، سینه زنی، تشکیل دادن دسته های عزاداری و...) به زبان های مختلف دیگری، مانند انگلیسی، آلمانی، چینی، و ژاپنی نیز رواج یافته است.ملت های دیگر، حضور و اثر گذاری این مراسم، در پدیده های اجتماعی و سیاسی شیعیان را دیده اند. هر کس اندک تأملی کرده باشد، نقش امام حسین و عزاداری حسینی را در دفاع مقدس، به خوبی می شناسد. امام حسین در انحصار شیعیان نیست. گاندی، رهبر فقید هند، نهضت های بوسنی و هرزگوین، لبنان، فلسطین و... از امام حسین علیه السلام بهره گرفته اند.کسانی می توانند به خوبی مراسم عزاداری را درک کنند که اولا، شناخت های لازم درباره ی آن داشته باشند و ثانیا، در آن شرکت، آثار عاطفی آن را تجربه درونی کرده باشند برای شناخت این پدیده، علم حصولی و تحصیلی عقلی، لازم اما ناکافی است.

آسیب شناسی مراسم عزاداری

اگر مراسم عزاداری، این اندازه اهمیت دارد، باید همانند یک گوهر گران بها از آن محافظت شود. فریادهای بعضی از علمای دینی، مانند شهید مطهری، که در سه جلد کتاب حماسی حسینی و تحریف های عاشورا گرد آمده است، ناظر به همین امر است. برای آسیب شناسی این مراسم، لازم است مطالعاتی مستقل و مفصل، با شیوه های مختلف پژوهشی، انجام شود؛ اما در این مختصر، فقط با یک نگاه نظری به این مراسم، بعضی از نکات آسیب شناسی را بیان می کنیم و از خداوند متعال می خواهیم که این آسیب ها، در

مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام به حداقل برسد:الف) رقابت های شدیدی که گاهی بین گروها و هیأت های مذهبی ایجاد می شود. [۱۵۸] .ب) همراه شدن مراسم عزاداری، با خرافات و امور نادرستی از فرهنگ عمومی مردم.ج) اصالت یافتن بعضی از فواید جانبی و فرعی، که از طریق هر گروه اجتماعی، ممکن است حاصل شود؛ مانند دید و بازدید.د) فراهم آوردن آزار و اذیت هایی برای دیگران، مانند صدای بلندگو و بسته شدن خیابان ها، که اگر تکرار شود، ممکن است افرادی را منزجر کند.ه) استفاده از اشعار و موسیقی هایی که در شأن عزاداری حسینی نیست و گاهی ممکن است خلاف شرع باشد. (البته گفتنی است که مراسم آهنگین عزاداری و مولودی ها، که در جامعه ی ما رواج دارد، سهم به سزایی در ارضای نیاز به موسیقی، به ویژه در کودکان و نوجوانان دارد و چه بسا آنان را از جذب شدن به موسیقی های مبتذل باز می دارد).و) غلبه کردن بعد عاطفی و غفلت از بعد شناخت دینی، در این مراسم. این آسیب بسیار جدی است و در درازمدت می تواند تخریب گر باشد.ز) ایجاد رابطه های مرید و مرادی [۱۵۹] بین افراد معمولی. گاهی ممکن است افرادی در لفافه و ناآشکار، به جای دعوت به دین، دعوت به خود کنند.ط) تکراری بودن محتوا و شیوه های جاری، مانند سخنرانی ها و اشعار. [۱۶۰] .ی) ساختن یا استفاده کردن از روضه و مطالبی که مستند نیست، اما تأثیر عاطفی ایجاد می کند.ک) انجام دادن بعضی رفتارها، مانند نواختن شیپور و اجرای آهنگ های مبتذل. [۱۶۱] .ل) آسیب رساندن به بدن، مانند قمه زنی، که مبنای دینی ندارد. [۱۶۲] .م) قرار گرفتن مجالس عزاداری در اختیار افراد کم سواد. [۱۶۳] .ن) خواندن بعضی

از اشعار غلوآمیز، که خلاف اعتقادات دینی است. [۱۶۴] .

پاورقی

[۱] Psychological Analysis.

[۲] Religious Ceremonies.

[۳] Description.

[۴] . Explanation.

[۵] Prediction.

[۶] Modification.

[۷] Cognitive.

[۸] Affective.

[۹] Behavioral.]

[۱۰] Mourning.

[۱۱] Mourning Ceremonies.

[۱۲] Social Psychologist.

[۱۳] Social Group.

[۱۴] Grief.

[۱۵] Depression.

[۱۶] Happiness.

[۱۷] Self – esteem.

[۱۸] Beravement.

[۱۹] زهره خسروی، روان درمانی داغ دیدگی.

[۲۰] Bernel.

[۲۱] Lindman.

[۲۲] Te weep.

[۲۳] Anxiety.

[۲۴] Agitation.

[۲۵] Aleeplessness.

[۲۶] Loos Of Appetitc.

[۲۷] Ros.

[۲۸] Physical.

[۲۹] Psychological.

[۳۰] Socialogoical.

[۳۱] Accepting The Reality Of Loss.

[۳۲] Affliction Of Loss.

[۳۳] Boulby.

[۳۴] فرهنگ عمید، واژه ی «عزا».

[۳۵] مصباح المنیر، ص ۵۰۴.

[۳۶] Baron.

[۳۷] Byrne.

[۳۸] Psychological Function.

[۳۹] Belonging.

[۴۰] Security.

[۴۱] Social Identity.

[۴۲] Social Facilitation.

[۴۳] Self Confidence.

[۴۴] Socialization.

[۴۵] Group Norms.

[۴۶] Attitude Change.

[۴۷] Communication Network.

[۴۸] Chain Network.

[۴۹] Circular Network.

[۵۰] Wheel Network.

[۵۱] Baron Byrne , Social Psychology.

[۵۲] عن امیرالمؤمنین علیه السلام، انه کان یقول: «من اختلف الی المسجد اصاب احدی اثمان، اخا مستفادا فی الله، او علما مستطرفا او آیه محکمه او رحمه منتظره، او کلمه ترده عن الردی او یسمع کلمه تدله علی هدی، او یترک ذنبا خشیه او حباء». (بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۵۱، باب ۸، روایت ۴).

[۵۳] Psychological.

[۵۴] Social Function.

[۵۵] Abnormal.

[۵۶] Therapeutic.

[۵۷] (الذین اذا أصابتهم مصیبه قالوا انا لله و انا الیه راجعون...) (بقره (۲) آیه ی ۱۵۶).

[۵۸] Psychologic.

[۵۹] Psychological.

[۶۰] External Stinulus.

[۶۱] Internal Stinulus.

[۶۲] ر.ک: محمد تقی، جعفری، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۲، ص ۲۷۲ - ۲۶۳.

[۶۳] ر.ک: حسین رجبی، پاسخ به شبهات عزاداری، ص ۲۰.

[۶۴] General System Theory.

[۶۵] Maintenance Ecology.

[۶۶] Psychotherapist.

[۶۷] Catharsis.

[۶۸] Repressed.

[۶۹] Transcendental Ecology.

[۷۰] بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۲۹، باب فضل البکاء.

[۷۱] دلایل النبوه، ج ۷، ص ۲۶۶.

[۷۲] صحیفه ی نور، ج ۱۳، ص ۱۵۴.

[۷۳] Cognetive.

[۷۴] Behavioral.

[۷۵] Attitude.

[۷۶] Happiness.

[۷۷] John Locke.

[۷۸] Jeremy Bentham.

[۷۹] Motivation.

[۸۰] Emotion.

[۸۱] ذبیح الله فرجی، انگیزش و هیجان، ص ۱۶۷.

[۸۲] آیزنک، مایکل،

روانشناسی شادی، ترجمه ی مهرداد فیروزبخت، ص ۱۹-۱۶.

[۸۳] Experiences.

[۸۴] Expectations.

[۸۵] Wishes.

[۸۶] Miclel Fordice.

[۸۷] همان، ص ۱۸۹-۱۸۷.

[۸۸] Nonverbal.

[۸۹] Facial Assertion.

[۹۰] Posturing.

[۹۱] Eye - Movements.

[۹۲] Sonoity.

[۹۳] Freud.

[۹۴] Social Psychology , Baron Byrne.

[۹۵] Major Depression.

[۹۶] Dysthymia.

[۹۷] انجمن روان شناسی آمریکا، چهارمین بازنگری از راهنمای تشخیصی و آماری اختلال های روانی (DSMIV) ص ۶۰۲-۵۶۴.

[۹۸] انجمن پزشکی آمریکا، ترجمه مهدی گنجی، ص ۸۸ - ۶۷.

[۹۹] Biological.]

[۱۰۰] Heritable.

[۱۰۱] Emotional.

[۱۰۲] Neurotrasmitter.

[۱۰۳] Trasmission.

[۱۰۴] Synapse.

[۱۰۵] Norepinephrine.

[۱۰۶] Serotonine.

[۱۰۷] Dopamine.

[۱۰۸] همان، ص ۹۶ – ۸۸.

[۱۰۹] Atkinson R.L.

[۱۱۰] ایلین شیهان، عزت نفس، ترجمه مهدی گنجی، ص ۱۰.

[۱۱۱] Sheehen.Elan.

[۱۱۲] همان ص ۲۰.

[۱۱۳] Gurney.

[۱۱۴] سید جلال صدرالسادات، عزت نفس در افراد با نیازهای ویژه، ص ۶۱.

[۱۱۵] (کزرع أخرج شطاء فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار...) (فتح (۴۸) آیه ی ۲۹).

[۱۱۶] (ان أکرامکم عند الله أتقاکم) (حجرات (۴۹) آیه ی ۱۲).

[۱۱۷] (انهم فتیه آمنوا بربهم و زدناهم هدی) (کهف (۱۸) آیه ی ۱۳).

[۱۱۸] (الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون أحدا الا الله) (احزاب (۳۳) آیه ی ۳۹).

[۱۱۹] (... ولله العزه و لرسوله و للمؤمنین) (منافقون (۶۳) آیه ی ۸).

[۱۲۰] (قول معروف و مغفره خیر من صـدقه یتبعها أذی.. یا ایها الذین آمنوا لا تبطوا صدقاتکم بالمن و الأذی) (بقره (۲) آیه ی

۲۶۲-۲۶۴).

[۱۲۱] بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۱؛ ج ۶۸، ص ۱۶.

[۱۲۲] «أکرم نفسک عن کل دنیه و ان ساقتک الی الرغائب...» (نهج البلاغه، نامه ی ۳۱).

[۱۲۳] (یحسبهم الجاهل أغنیاء من التعفف) (بقره (۲) آیه ی ۲۷۳).

[۱۲۴] عن الحسین علیه السلام: «خیر الغنی غنی النفس» (وسائل الشیعه، ج ۱۱، کتاب امر به معروف و نهی از منکر).

[۱۲۵] برای مطالعه بیش تر، ر.ک: مرتضی مطهری، فلسفه ی اخلاق و فلسفه ی تعلیم و تربیت در اسلام.

[۱۲۶] وسائل الشیعه،

ج ۱۱، ص ۴۲۵، باب ۱۳.

[۱۲۷] بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۲۶۹، ح ۱۹، ۱۸، ۱۱، ۱۰ و ۲۰.

[۱۲۸] «من کرمت علیه نفسه، هانت علیه شهوته» (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۴۹).

[۱۲۹] من هانت علیه نفسه، فلاترج خیره (شرح غرر و درر، ج ۱، ص ۳۹۴).

[۱۳۰] من هانت علیه نفسه، فلاتأمن من شره» (تحف العقول، ترجمه ی کمره ای، ص ۵۱۲).

[۱۳۱] بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۲۵.

[۱۳۲] نفاق المرء من ذل نفسه» (جمال خوانساری، شرح غرر و درر آمدی، ج ۶، ص ۱۸۱).

[۱۳۳] «الغیبه جهد العاجز» (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۵۳).

[۱۳۴] Cognitive Dissonance.

[۱۳۵] Festinger.

[۱۳۶] «ألا ان الدعی ابن الدعی قد رکز بین اثنتین، بین السله و الذله، و هیهات منا الذله، یابی الله لنا حجور طابت و طهرت...».

[۱۳۷] Cooper smith.

[۱۳۸] عزت نفس در افراد با نیازهای ویژه، ص ۱۵.

[۱۳۹] مثـل (لاـ یحب الله الجهر بـالسؤء من القول الا من ظلم) (نساء (۴) آیه ی ۱۴۸) و نیز شعراء (۲۶) آیه ی ۲۲۷؛ هود (۱۱) آیه ی ۱۱۳؛ حج (۲۲) آیه ی ۳۹.

[۱۴۰] مثل: (انما ولیکم الله و رسوله والذین...) (مائده (۵) آیه ی ۵۵) و نیز نساء (۴) آیه ی ۵۹؛ بقره (۲) آیه ی ۲۵۴.

[۱۴۱] (قل لا أسألکم علیه أجرا الا الموده فی القربی...) (شوری (۴۲) آیه ی ۲۳).

[۱۴۲] مثل (و قال یا أسفی علی یوسف و ابیضت عیناه من الحزن فهو کظیم) (یوسف (۱۲) آیه ی ۸۵-۸۴).

[۱۴۳] مثل (و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب) (حج (۲۲) آیه ی ۳۲).

[۱۴۴] (فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم و نساءکم و أنفسنا و أنفسکم) (آل عمران (۳) آیه ی ۶۱).

[۱۴۵] (یا أیتها النفس المطمئنه - ارجعی الی ربک راضیه مرضیه - فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی) (فجر (۸۹) آیه ی

۲۷-۳۰).

[۱۴۶] (و اذ أخذنا میثاقکم لا تسفکون دماءکم و لا تخرجون أنفسکم من دیارکم...) بقره (۲) آیه ی ۸۴).

[۱۴۷] برای مطالعه ی بیش تر درباره ی این گونه آیات، ر.ک: الحسین علیه السلام، من خلال القرآن الکریم.

[۱۴۸] «انما تحتاج المرأه فی الماتم الی النوح لتیل دمعتها و لا ینبغی ان قتول هجرا..» (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹۰، باب جواز الکسب النائمه الحق لا بالباطل).

[۱۴۹] وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۲۲.

[۱۵۰] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۹، باب ثواب البکاء علی مصیبه الحسین علیه السلام.

[۱۵۱] حسین، رجبی، پاسخ به شبهات عزاداری، ص ۸۷.

[۱۵۲] همان، ص ۱۰۱-۹۰.

[۱۵۳] سیره الحلبیه، ج ۲، ص ۲۰۶.

[۱۵۴] همان، ص ۶۰.

[۱۵۵] ابن سعد، طبقات، ج ۸، ص ۲۸۲.

[۱۵۶] پاسخ به شبهات عزاداری، ص ۶۱-۵۰.

[۱۵۷] همان، ص ۱۲۰-۱۱۱.

[۱۵۸] در تعارض با آیاتی مانند: (تعاونوا علی البر و التقوی) (مائده(۵) آیه ی ۲) و آیات دیگر.

[۱۵۹] (قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله) (آل عمران (۳) آیه ی ۳۱) و آیاتی دیگر مانند: یوسف (۱۲) آیه ی ۱۰۸.

[۱۶۰] (لا یسمعون حسیسها و هم فیما اشتهت أنفسهم خالدون) (انبیاء (۲۱) آیه ی ۱۰۲).

[۱۶۱] (و اجتنبوا قول الزور) (حج (۲۲) آیه ی ۳۰).

[۱۶۲] (و ما نها کم عنه فانتهوا) (حشر (۵۹) آیه ی ۷).

[۱۶۳] (فاسألوا أهل الذکر ان کنتم لا تعلمون) (انبیاء (۲۱) آیه ی ۷).

[۱۶۴] (و اجتنبوا قول الزور) (حج (۲۲) آیه ی ۳۰).

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹